

شنبه • ۳۰ مرداد ۱۳۹۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۵۴ • ۹

شرق

روزنامه

جهان

۱۰ صفحه - گفت‌وگو با داریوش مودییان

۱۱ صفحه - تنها گروه فارسی‌خوان بودیم؛ گفت‌وگو با سعید دبیری

۱۲ صفحه - گفت‌وگو با همایون سلیمی، هادی جمالی و رضا خدادادی

نگاه
به مناسبت ۲۵ جولای سالروز ترور محمد براهمی فعال سیاسی فداییان چپ در مسلخ بنیادگرایان تونسسی نوژن اعتضاد السلطنه: «حبیب بورقبیسه»، نخستین رئیس‌جمهور تونس، پس از کسب استقلال آن کشور از فرانسه در مقاله‌ای با عنوان «ناسیونالیسم: یادزهری برای کمونیسم»، که در جولای سال ۱۹۵۷ میلادی هم‌زمان با به‌قدرت‌رسیدنش در نشریه آمریکایی «فارین افرز» منتشر شده بود، به غرب اطمینان داد ناسیونالیسم یک ایدئولوژی کارآمد برای مقابله با کمونیسم خواهد بود. او دراین‌باره نوشت: «پرسی‌ی که مطرح می‌شود این است که آیا ناسیونالیسم و به‌طور خاص ناسیونالیسم عربی در خدمت کمونیسم بوده یا پادزهر آن است. اگر بخواهیم با تجربه تونس قضاوت کنیم تردیدی نیست که مبارزه برای کسب استقلال ملی در راستای بازدارندگی در برابر کمونیسم بوده است». او در ادامه مقاله خود اشاره کرده بود مردم تونس درنهایت کمونیسم را به‌عنوان ایدئولوژی خارجی رد کردند و فهمیدند ایده‌هایشان با حزب او (دستور) سازگاری بیشتری دارد. بورقبیه همچنین با تمسخر نوشت یکی از دوستان قدیمی او که پیش‌تر کمونیست بوده است، اکنون به عقاید پیشین خود می‌خندد و می‌گوید در جوانی اشتباه کرده است و دغدغه‌اش برای عدالت اجتماعی می‌توانسته به تلاش برای توسعه کشورش کاملاً برطرف شود. ایده‌های بورقبیسه، اما برای چپ‌های جهان عرب تازگی ندارد؛ ربه‌رائی که زمانی خود را سوسیالیست می‌خواندند، اما در ادامه زمامداری‌شان سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها را مانع عمده‌ای برای زمامداری خود قلمداد کردند و مستقیم یا غیرمستقیم از طریق همکاری با گروه‌های مذهبی (از جمله در مورد مصر و بازگذاشتن دست اخوانی‌ها از سوی سادات) به سرکوب چپ‌ها پرداختند. تونس، اما در میان کشورهای جهان عرب جنبش چپ ریشه‌داری داشت که در لایه‌های گسترده‌ای از جامعه مدنی و نخ‌بگان روشنفکر آن کشور حضور داشت و در نتیجه سرکوب جدی آن ناممکن بود. ریشه‌های جنبش چپ در تونس به تأسیس حزب کمونیست آن کشور در در دهه ۲۰ میلادی توسط فرانسوی‌ها بازمی‌گردد. پس از استقلال تونس، آن حزب به‌تدریج ماهیتی تونسسی پیدا کرد، اما به دو دلیل در جامعه آن کشور ریشه‌دار نشد. حزب کمونیست ایده استقلال را رد کرده بود و از ایده اتحاد میان تونس و فرانسه با رهبری حزب کمونیست فرانسه حمایت می‌کرد. این ایده برای تونس‌ها سخت گران آمد و دوم آگاه پس از تأسیس رژیم اسرئائیل با تقسیم اراضی فلسطینی موافقت کرد. این حزب در دهه ۵۰ میلادی با وجود تلاش برای تونسسی‌شدن و انطباق با شرایط استقلال تا اوایل دهه ۶۰ میلادی منزوی باقی ماند. پس از آن بود که گروهی از دانشجویان تونسسی تصمیم گرفتند یک جنبش چپ نوین را با نام «آفاق» یا «چشم‌انداز» تأسیس کنند که تلفیقی از سوسیالیسم و دموکراسی ارائه می‌داد. در سال ۱۹۶۷ میلادی این جنبش با سنت مائوئیستی هم‌زیستی پیدا کرد. این موضع‌گیری تازه باعث ایجاد انشعاب در آفاق شد و گروه تازه‌منشعب‌شده‌ای از آن دموکرات‌های میهن‌پرست را تشکیل داد که «شکری بلعیده» مؤسس آن بود. فعالیت‌های آن جنبش در سال ۱۹۶۹ میلادی با انتشار نشریه «الشعله» آغاز شد. پس از فرار زین العابدین بن علی از تونس در ژانویه سال ۲۰۱۱ میلادی، چپ‌ها توانستند پنج کرسی از ۲۱۷ کرسی را در انتخابات پارلمانی پس از دوران بن علی از آن خود کنند. برخی احزاب چپ تلاش کردند پس از سال‌ها فعالیت زیرزمینی، فعالیت آشکار و علنی سیاسی را آغاز کنند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به حزب کارگران که ریشه در جنبش آفاق داشت، حزب سوسیالیست منشعب‌شده از آن، جنبش دموکرات میهن‌پرستان به رهبری بلعید در دانشگاه‌ها، حزب چپ نو، حزب یزدی مترقی، حزب چپ دربکال (ترتوسکیست‌ها) اشاره کرد. رهبری آفاق، دموکرات‌های میهن‌پرست را استالینیست خواند، اما آنان ابایی از این موضوع نداشتند. آن گروه اعلام کردند خواستار مقاومت در برابر رژیمونی امپریالیستی بر تونس و معتقد به لزوم اصلاحات ارضی هستند، چراکه از دید آنان طبقه فئودال هنوز هم مالک بخش اعظم زمین‌ها بودند. این دیدگاه‌ها در دانشگاه محبوب شد. دراین‌میان شکری بلعید به رهبر اصلی چپ‌گرایان تونس تبدیل شد. او در جریان جنبش دانشجویی تونس که چپ‌ها پشت‌آنازش بودند، در دهه ۸۰ میلادی به ستاره‌ای در مبارزات تبدیل شد و پس از آن بود که رهبری جنبش دموکرات میهن‌پرستان را به‌عهده گرفت. وی پس از گذراندن تحصیلات در عراق و فرانسه در اواخر دهه ۹۰ میلادی به تونس بازگشت و به‌عنوان وکیل و فعال حقوق بشر در راستای تقویت آزادی بیان و مشاور اتحادیه‌های کارگری به فعالیت پرداخت. بلعید به تهدیدات سلفی‌ها بی‌توجه بود. او از الهضه به‌عنوان آلت دست نواستعمارگرایی قطری یاد می‌کرد و معتقد بود آن حزب از تروریسم حمایت می‌کند تا جو ترس را بر افکار عمومی تونس حاکم کند. بی‌توجهی او به تهدیدات سبب شد در تاریخ ششم فوریه ۲۰۱۳، هنگام خروج از خانه ترور شود و جان خود را از دست بدهد. این، اما پایان کشتار چپ‌ها در مسلخ بنیادگرایان مذهبی نبود، چراکه نزدیک به شش ماه پس از ترور شکری بلعید، «محمد براهمی»، یکی دیگر از رهبران چپ‌گرای مخالف دولت تونس، در تاریخ ۲۵ جولای ۲۰۱۳ میلادی، روز استقلال تونس، ترور شد و جان باخت؛ گرچه حزب الهضه به‌عنوان جریان اصلی اسلام محافظه‌کار در تونس که سکان‌دار امور سیاسی و اجرایی بود، اعلام کرد این کار سلفی‌ها بوده است، اما انگشت اتهام سکولارها به سوی آن حزب بود، به‌طوری‌که در بهترین حالت الهضه را به بی‌تکلفی و انفعال و بد درترین حالت به همدستی با سلفی‌ها برای حذف منتقدان چپ‌گرا متهم می‌کردند.

یادداشت
پایانی پرست سیاسی کرملین از چالش‌های امروز پیش‌روی «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، چگونگی تعامل با معترضان است. او اکنون با معترضان مصممی روبه‌رواست، اما نحوه واکنش پوتین به این اعتراض‌ها همواره مورد توجه رسانه‌ها و سیاست‌مداران بوده است. او در ابتدای بازگشتش به کرملین در قالب رئیس‌جمهور مخالفان را متهم کرد، «آن برنامه مفید و منسجمی ندارند و پس از آنکه نتوانستند پیروز انتخابات شوند به تظاهرات آشوب روی آوردند». ناظران نیز با توجه به این سخنان اعلام کردند که پوتین سیاست «مشت آهنین» دوران شوروی را بار دیگر به‌کار خواهد بست و هرگز از راه گفت‌وگو سعی نمی‌کند مخالفانش را آرام کند، اما با توجه به تحولات خاورمیانه، پوتین نشان داد که با سیاست‌تر از آن است که بخواهد با سرکوب، مخالفان خود را خاموش کند به همین دلیل از آنها خواست که با ارائه برنامه‌های منسجم و در قالب احزاب سیاسی به اعتراض‌های خود ادامه دهند تا کرملین نیز بتواند خواسته‌های آنها را عملی کند. شرایط امروز روسیه، سنت سیاسی کرملین را دست‌کم در دو مورد نقض می‌کند؛ نخست آنکه مردان و زنان امروز روس که خود را نسل اول رهبران مدنی این کشور می‌دانند، هرگز در برابر دولت قرار نمی‌گیرند و حتی دولت را شریکی می‌دانند که از آن نه می‌ترسند و نه احساس تنفری به آن دارند. دومین مشکل روسیه، جامعه مدنی این کشور است که توانایی یا تمایلی به کنترل قوه‌مجریه ندارد چراکه عدم بلوغ کامل، خودآگاهی و اعتماد به نفس شهروندان به آنها اجازه عملکرد مناسب را نمی‌دهد. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که پیام بازگشت پوتین به قدرت، اقتدارگرایی، تصفیه گروه‌های مدنی و کاهش آزادی‌های سیاسی خواهد بود، اما پوتین برای مقابله با مخالفان به رفتارهای اقتدارگرایانه نیز خواهد داشت، زیرا آنها با مشکلاتی مانند پراکندگی، فقدان حمایت‌های توده‌ای و مهم‌تر از همه، نداشتن رویکردهای جایگزین روبه‌رو هستند. از سوی دیگر، بسیاری از روس‌ها آگاهی چندانی درباره رهبران جنبش اعتراضی در این‌کشور ندارند و اکثر کسانی که خارج از مسکو و سنت‌پترزبورگ زندگی می‌کنند، اغلب با حکومت به‌طور مستقیم در ارتباط نیستند و نکته اصلی آن است که همین جمعیت تاریخ روسیه را می‌سازند. این در شرایطی است که تمام آنچه مخالفان می‌خواهند، این است که دولت را مجبور کنند که حرف‌ها و خواسته‌های آنها را بشنوند؛ آنهایی که دلایل کوتاه‌مدتی را مطرح می‌کنند، اما هدف‌شان کنترل دولت و تعیین قانون است. در همین‌حال، برخی از کارشناسان معتقدند که هرچند اپوزیسیون روسیه تمام تلاش خود را برای بازسازی کل این کشور می‌کند، اما روس‌ها نمی‌توانند سال‌های زیادی را منتظر وقوع چنین امری باشند چراکه ۲۰ سال بعد از سقوط شوروی دوباره معتقدان به خیابان‌آموند و زمانی‌که اخلاق به پایه‌ای از سیاست تبدیل می‌شود همان‌طور که زمان اتحاد جماهیرشوروی اتفاق افتاد، هرکسی باید خود را برای وقوع انقلابی مدرن و جدید آماده کند.



میشل عون در گفت‌وگو با الاخبار:

دخالت خارجی در لبنان سنت شده‌است

طرح‌های زیادی را پیشنهاد کردیم اما پذیرفته نشده است.

✎ آیا طرح فدرالی شما را ۳۰ سال به عقب نمی‌برد؟

چرا، ۵۰ سال، از ۲۶ سال پیش تا حالا ما داریم برای «حاکمیت، آزادی و استقلال» می‌جنگیم. پیشنهاد دادیم که در ۲۴ ساعت برق همه لبنانی‌ها را تأمین خواهیم کرد. برای این کار داشتیم پول‌هایی را هم جمع می‌کردیم، اما این طرح جلوش گرفته شد. هیچ کس حجم خسارت این کارها را درک نمی‌کند. همه برق می‌خواهند اما هیچ‌کس کمک نمی‌کند که چنین طرحی پیاده شود.

✎ شما را محاصره کرده‌اند. ۱۰ سال است که می‌خواهند میشل عون را بشکندند. با این همه مخالفت‌ها، احساس می‌کنید می‌توانید به کاخ ریاست‌جمهوری لبنان دست یابید؟

✎ شما چه انتظاری از عربستان‌سعودی دارید، حال آنکه این کشور را ارتجاعی و منع صدور تروریسم می‌خواند؟ آن وقت انتظار دارید عربستان به ریاست‌جمهوری شما کمک کند؟

چه کسی انتظار داشت؟ من نمی‌خواهم رئیس‌جمهوری باشم آن‌هم زمانی که نیروهای سوری در اینجا حضور دارند. ما هر حرفی می‌زنیم تهدید می‌شویم؛ چون می‌گویند تأثیری منفی بر لبنانی‌های موجود در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس خواهد داشت.

✎ رابطه شما با جریان‌های مستقل چگونه است؟

بد، نمی‌شود با جریانی کار کرد که به تعهدات خودش پایبند نیست، به رومیه رفتیم تا با هم گفت‌وگو کنیم. در همان مرحله اول آنها برگشتند و همه تعهدات‌شان را خراب کردند.

✎ آیا منظورتان این است که در رابطه با جریان‌های مستقل دیگر آن «سوی شکست و…»؟

کلید حل مسئله دست آنهاست نه من. اگر در آنچه پیشنهاد می‌کنند، جدی نیستند پس چرا با آنها باید تفاهم کنیم؟

من وقتی دیدم خارج از کود هستم به جریان هشت مارس پیوستم. بعد انتخابات برگزار و دولت جدید تشکیل شد و بعد گفت‌وگو با سعد حریری به‌عنوان نخست‌وزیر بود. ما دارای عقلانیتی سکولار هستیم و می‌خواهیم حقوق شهروندان تأمین شود نه اینکه حقوق طوایف تأمین شود

✎ آنها می‌گویند چیزی برای ارائه به شما ندارند. چه چیزی عوض شده است؟

آنها فقط کافی است با قانون اساسی مخالفت نکنند، دست‌کم به این متون احترام بگذارند.

✎ شما گفته‌اید تا انتخابات پارلمانی برگزار نشود، نمی‌توان انتخابات ریاست‌جمهوری را برگزار کرد. همچنین شما گفته‌اید قانونی را می‌خواهید که بر اساس سهمیه باشد. چطور می‌شود چنین کاری کرد؟

ما به هسان قانونی تکیه می‌کنیم که از زمان تأسیس جمهوری لبنان تدوین شده است. ولی براساس همان قانون می‌گوییم چطور می‌شود گردش قدرت داشت و اصلاحات کرد؟ برای همین ما ابتدا قانون سهمیه‌بندی را در حوزه‌های رای‌گیری مطرح کردیم اما رد شد. بعد خواستار درنظرگرفتن کل لبنان به‌عنوان یک حوزه شدیم که باز هم رد شد. رفتیم سراغ دیدار پیروان اردن‌وکسی که بتوانند فردی را به عنوان نماینده همگان انتخاب کنند تا عدالت اجتماعی برقرار شود. دیگر چه می‌خواهید؟

✎ متحدان شما همراه شما نیستند تا چه رسد به مخالفان‌تان. آیا بهتر نیست کلاً همه‌چیز را تعطیل کنیم تا اول قانون انتخابات درست شود؟

اگر یک مشارکت ملی باشد همه احتمالات مطرح است. ما در مرحله هشدار و آماده‌سازی هستیم، ما حقوقی مشروع داریم که باید تحقق پیدا کند. با ملت به‌عنوان نیروی فشار چیزی را بر نمایندگان‌ش تحمیل خواهد کرد یا اینکه هیچ‌کس تحرکی نشان نمی‌دهد.

✎ تحریک‌کردن مردم ممکن است پاسخ مقابل داشته باشد؟

ما هم عوامل خودمان را داریم. کسی که می‌خواهد به مردم متوسل شود برود این کار را بکند. من هم قبول دارم. اگر خواسته‌های به حقی دارد ما هم به او می‌دهیم، ما یک‌بار زیر بمباران‌ها بود که از لبنان خارج شدیم، اما وضعیت امروز ما در داخل و خارج بهتر از آن روز است.

✎ کار شما به پرونده تعیین فرماندهان نظامی برخورد کرد که عامل مهمی در بحران حکومتی بود. تا چه حد ممکن است شما بتوانید با موضع نیه بری و «تمام‌سلام»، نخست‌وزیر و «ولید جنبلاط» هماهنگ شوید؟

این در کشور ما یک سنت شده است. وقتی «نجیب میقاتی»، به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی شد، عربستان‌سعودی با آن مخالفت کرد. هر گروهی در

ترجمه: علی ملکی؛ ژنرال «میشل عون»، رهبر مسیحیان مارونی و از شخصیت‌های معروف لبنان است. کسی که جریان هشت مارس به رهبری حزب‌الله، او را به‌عنوان نامزد خود برای ریاست‌جمهوری این کشور برگزیده و باوجود همه مخالفت‌های جریان مقابل یعنی ۱۴ مارس بر این گزینه بافشاری می‌کند. میشل عون موضعی همسو با حزب‌الله و سوریه دارد. جندی پیش مذاکراتی بین میشل عون و سایر گروه‌های لبنانی از جمله جریان‌های مستقل یا همان ۱۴ مارس صورت گرفت که احساس می‌شد لبنان دارد به سمت تعیین ریاست‌جمهوری خود نزدیک می‌شود، اما بلافاصله هرگونه توافق تکذیب شد. در این میان حرفی نقل مجلس لبنانی‌ها شد که از فدرالی‌شدن این کشور و تغییر قانون اساسی صحبت می‌کند. میشل عون در این گفت‌وگو به مسائل روز لبنان پرداخته است.

✎ شما در مصاحبه‌ای از طرح فدرالی‌شدن لبنان صحبت کردید اما بعد آن را پس گرفتید. ماجرا از چه قرار بود؟

مصیبت ما لبنانی‌ها این است که چیزی نمی‌خوانیم. من گفته بودم طرح فدرالی را بر ما تحمیل می‌کنند ولی ما در برابر آن مقاومت می‌کنیم. من نگفته بودم ما فدرالیسم می‌خواهیم بلکه گفته بودم آنها دارند ما را به این سمت می‌کشانند. به‌هرحال این طرح نیازمند موافقت همه لبنانی‌هاست. ما وقتی از چنین راه‌حلی صحبت کردیم، بعضی حرف ما را تکه‌تکه کردند. دشمنان هم سعی کردند مسئله را بزرگ کنند و بگویند ما به‌دنبال فدرالیسم و تجزیه هستیم.

✎ چطور می‌شود از فدرالیسم درلبنان حرف زد، زیرا زیرساخت‌هایش فراهم نیست و اجازه چنین کاری را نمی‌دهد؟

البته هیچ چیزی غیرممکن نیست. ما خارج از حوادث و تحولات محیط پیرامون خود نیستیم. همه‌چیز در خاورمیانه ممکن است. در اینجا هیچ سیاست از پیش تعیین‌شده‌ای نیست. ولی هر چیز باید معقول باشد.

✎ شما برای مقابله با تلاش دشمنانی که می‌خواهند شما را به سمت این طرح سوق دهند، چه می‌کنید؟

این تنها ما نیستیم که جلوی آن را می‌گیریم. خود لبنانی‌ها هم جلوی آن را می‌گیرند. وقتی شما به بدهکاری کشور نگاه می‌کنید که سر به‌میلیاردها می‌زند و کسری بودجه و پروژه‌هایی که خوابیده، این مسئولیت هرکسی است که خواستار حقوق مردم باشد. ما کتابی درباره فساد در لبنان ارائه کردیم که در دادستانی خاک می‌خورد. گزارش‌هایی را از هدررفتن اموال در وزارت ارتباطات در سال ۲۰۰۹ ارائه کردیم که همه آنها را دادستانی دارد. اینها اموال مردم است که باید حفظ شود.

✎ چیزی را که شما می‌گویید مربوط به دوره حاکمیت جریان‌های مستقل است. اما جریان ملی آزاد (حزب وابسته به عون) هم کاری را که شروع کرده بود، تمام نکرد؟

این نبرد فقط برای ما نیست؛ زیرا در آن همه ضرر می‌کنند. ما فقط موضع خودمان را گفتیم و سعی کردیم اطلاعات لازم برسد به دست کسانی که لازم است. اما آیا کسی از کارمندی که در این کار دست داشت بازجویی یا او ا اخراج کرد؟ خیر. چرا؟ پس بازرسی مرکزی کجاست؟ ما باید ببینیم چه چیزی باعث شده تا این دستگاه ناکارآمد باشد، وقتی دستگاهی ناکام است باید رئیس آن را برکنار کرد. وقتی از اصلاحات سیاسی حرف می‌زنیم، هیچ‌کس به حرف ما گوش نمی‌دهد. وقتی از اصلاحات قضائی حرف می‌زنیم باز همین‌طور.

✎ منظورتان این است که شهروندان هم در لبنان بین نیروهای معینی (جریان‌های سیاسی) تقسیم شده‌اند؟

بله، درست است. باید در برابر این مقاومت کرد. از این‌رو ما از همه دعوت کردیم تا با هم در برابر این مشکلات مقاومت کنیم.

✎ خب شما فرض کنید دارید با همه طوایف حرف می‌زنید. چطور شما مبارزتان را صرفاً به مسیحیان محدود می‌کنید؟

نه نماینده مارونی‌ها هستم و باید در درجه اول از حقوق‌شان دفاع کنم. ده‌ها سال است که ما در ضمن آن از مصالح ملی هم حرف می‌زنیم. من به محض اینکه از خارج آمدم، رفتم سر قبر شهید «رفیق حریری» و یک تاج‌گل بر سر مزارش گذاشتم. هیچ‌یک از اعضای خانواده او برای استقبال آنجا نبود. در میدان شهدا سخنرانی داشتیم که فارغ از هرگونه گرایش طایفه‌ای بود. حتی آنها به من پیشنهادهائی مانند نمایندگی مجلس دادند که من نپذیرفتم. بعد شش‌ا ۱۴ مارس را از ما دزدیدند و من وقتی دیدم خارج از کود هستم، به جریان هشت مارس پیوستم. بعد انتخابات برگزار و دولت جدید تشکیل شد و بعد گفت‌وگو با سعد حریری به‌عنوان نخست‌وزیر بود. ما دارای عقلانیتی سکولار هستیم و می‌خواهیم حقوق شهروندان تأمین شود نه اینکه حقوق طوایف تأمین شود. وقتی «نبیه بری»، رئیس مجلس مسئله لغو طرح طایفه‌ای را مطرح کرد، من گفتم با آن موافقم. به جای این بهتر است به همه کودکان در مدارس حقوق ملی آموزش داده شود. می‌توان مدرسی خاص هم برای آموزش‌های دینی داشت. ما در این‌باره